

ورزش و روحانیت¹ - قسمت اول - در عرش، گفتگوی کِن ویلبر² با دیوید مگیسی³

برگردان فارسی: جمشید جمشیدی

(در این نوشتار کوتاه و مختصر از مقوله مهم روحانیت و اصطلاحات مربوط به آن بسیار سخن رانده شده است که درک تمام آن ها برای خواننده ای که با نظریه انتگرال و روان شناختی آن آشنائی ندارد خالی از اشکال نخواهد بود. تا اندازه ای سعی گردیده توضیحات مختصری در حاشیه ارائه گردد با این حال به علاقمندان این نوع مباحث توصیه میشود مقالات مفصل مربوطه را در صفحه "جهان انتگرال" همین تارنما مطالعه نمایند.)

جج: <http://www.shamogoloparvane.net/kenwilber.html>

در این بحث شورانگیز قهرمان سابق پشت خط NFL⁴ دیوید مگیسی در زمینه این که یک هم پوشی⁵ قابل توجهی بین ورزش و روحانیت⁶ وجود دارد سخن می گوید. او می افزاید که شاید قهرمانان حرفه ای بیش از آن چه که ما فکرش را بکنیم با تجربه فراروی⁷ (به ورای خود رفتن) روحانی آشنا باشند.

دیوید مگیسی کیست - او هفت سال در مقام قهرمان پشت خط NFL بازی کرد و آخرین در موقعیت مدیر منطقه غرب انجمن بازیکنان لیگ ملی فوتبال⁸ بازنشسته شده است. او پرفروش ترین کتاب اتوبیوگرافی فوتبال خود را به نام **خارج از لیگ آن ها**⁹ در سال 1971 منتشر کرد که در Sport Illustrated سال 2002 به عنوان یکی از صد کتاب ارزنده که تا به حال نگارش شده است انتخاب شد. دیوید ضمن به عنوان یکی از بنیانگذاران مرکز ورزش اسالن¹⁰ شماره شده، و در دانشگاه استنفورد به بازیکنان فوتبال یک کورس آموزشی را با موضوع "ورزش، شعور و تغییر اجتماعی" تدریس کرد.

1 اصل این نوشتار به زبان انگلیسی در تارنمای زیر قابل رویت است: Sports and Spirituality-
<http://in.integralinstitute.org/talk.aspx?id=1052>

2 Ken Wilber

3 David Meggyesy

4 National Football League(NFL)

5 overlap

6 من این واژه را "روحانیت" ترجمه کرده ام، که به نظر از ترجمه "معنویت" پذیرا تر باشد Spirituality- زیرا "روحانیت" معنویت را در خود شامل کرده از محتوی فراتری برخوردارست. باید توجه داشت آگاهی بر شریعت و فقه با روحانیت برابر نیست ولی آن ها ممکنست به رشد ذهن در دسترسی به روحانیت یاری برسانند. روحانیت دسترسی به رموز نهانی و نهائی، وحدت با یکتا، آمیزش با مبداء(خدا، ذات، جوهر، حق، حقیقت، اسپیریت) است که میتواند به اشکال گوناگون تحقق بیابد. در متن به دو نوع تعریف روحانیت، یکی احوال و دیگری ساختارهای روحانی اشاره می گردد. آن چه که در مقوله روحانیت از اهمیت برخوردارست و در این گفتگو نیز مورد تأیید است قابلیت و یا توانائی ذاتی انسان در دسترسی به روحانیت است.

تو مرغ چهار پری تا بر آسمان پری تو کجا و ره بام و نردبان زکجا - مولوی
اگر چه در این ره به راهنما احتیاج است ولی به واسطه نیازی نیست. - جج

7 transcendence

8 Director of the National Football League Players Association(NFLPA)

9 Out of Their League

10 Esalen Sports Center

خلاصه گفتگو- با آغاز عصر تمدن ورزش یکی از اجزاء جداناپذیر جامعه بشری بوده است. از هم‌آوردی های نظامی در چین، یونان و مصر باستان گرفته تا ظهور بی شمار ورزش های نمایشی (با تماشاجی) در سایه انقلاب های صنعتی، قهرمانان همواره از دیر باز به عنوان بنیان پیروزی های بشری، حس رفاقت و برتری طلبی و همینطور الگوی انضباط فردی، دستیابی به اهداف و اصلاح به جامعه خدمت کرده اند. از ذکر زبان مرسوم آمار و داستانی که معمولن مردان استفاده میکنند تا فقدان حضور زنان شکاف های خجالت آور آن ها را بپوشانند خود داری میکنم. (ترجمه این عبارت نامفهوم است! -جج)

ورزش به انحای گوناگون نماینده بهینه ای برای فعالیت روحی بشر است. با این وجود بسیاری رابطه بین ورزش و روحانیت را به چالش میکشاند و آن ها را کاملن دو وجه مشخص جداگانه بشر فرض میکنند که هرگز با هم ساز و سلوکی ندارند. البته ما می توانیم در باب هم پوشی روحانیت با برخی از هنرهای رزمی از جمله کونکفو¹¹ سخن برانیم، ولی آیا روحانیت با ورزش های مدرن غربی مثل فوتیبال (انواع متنوع آن)، بیسبال و یا بسکتبال ارتباطی دارد؟ و بالاخره این نوع ورزش ها بوسیله عناصر اکثرن زمینی از جمله خون، عرق، اشک و هورمون تستسترون سوخت گیری میکنند در حالی که روحانیت اغلب بوسیله نوعی گرایش شارژ میشود که با مفهومی بیشتر تجربیدی (آبستره) و یا علاقه بهشتی موجودیت غم انگیز فانی بشری ما سروکار دارد. اما باید قطعن این نظریه ها را بسیار تنگ باورانه انگاشت زیرا که از دست یابی به رموز پیچیدگی ها و غنای هر دو مقوله ورزش و روحانیت ناتوان اند. باید اذعان کرد یک قهرمان قادر است از طریق ورزش به همان اندازه یک مغ (کاهن) که با روش های روحانی سنتی، به حقیقت و روشنائی و خود فراروی¹² نایل آید. و یک مغ قادرست از راه تمرین های روحانی به اندازه یک قهرمان که از طریق ورزش، به قدرت، قابلیت و انجسام فردی دسترسی پیدا کند. در چنین وضعی یک هم پوشی قابل توجهی بین ورزش و روحانیت بوجود می آید و همین هم پوشی شالوده گفتگوی امروز را تشکیل میدهد.

مدل انتگرال¹³ بر این باور است که انسان متشکل از فراست ها، استعدادها و مهارت های گوناگون است که هر کدام جداگانه قادرند طی مراحل رشد به ژرف گرائی، پیچیدگی و افزایش لیاقت ها ادامه دهند. نمونه هائی از این "فراست های کثیر"¹⁴ و (یا "خطوط توسعه یابنده"¹⁵) شامل توانائی های شناختی، فراست های دستگاه حرکتی (ورزش)، رشد ارزش های اخلاقی، مهارت های زیبا شناسی و قدر شناسی میباشد. اگر چه هر کدام از این خطوط توسعه یابنده در امتداد مسیر رشد خود با خصوصیات منحصر بفرد از مراحل گشایشی عبور میکنند، برآیند کلی توسعه آن ها که از یک قرینگی کافی برخوردارست حکایت از وجود یک بارومتر (سنجشگر) عمومی و مشترک دارد تا مضمون تمام این مجراهای گوناگون رشد بشری را معنا بخشد. و این

¹¹ kung fu

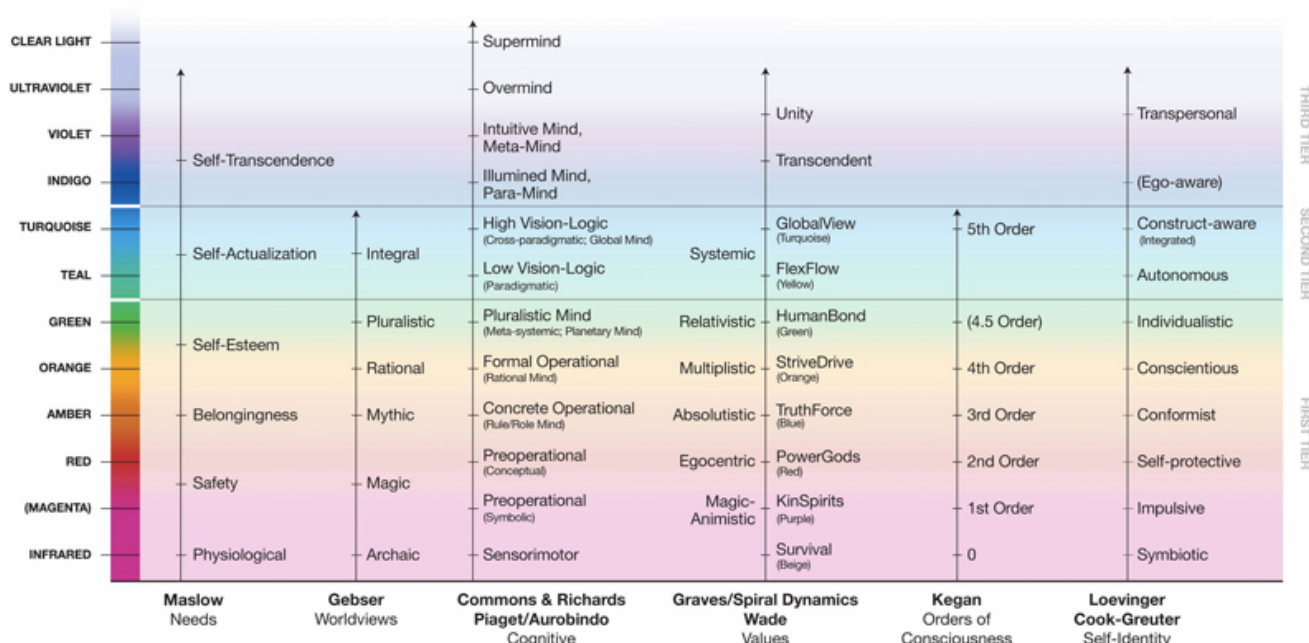
¹² self-transcendence

¹³ Integral Model

¹⁴ multiple intelligences

¹⁵ developmental lines

بارومتر مشترک عمومی مفهوم "ارتفاع"¹⁶ را ارائه میدهد که در منحنی قابل نمایش است (به تابلوی زیر نگاه کنید. جج). "قهرمان گرائی"¹⁷ نیز از بطن اختلاط این خطوط رشد یابنده برحسب درجات اهمیت آن ها شکل میگیرد. اما آن چه که اهمیت اساسی دارد این است، زمانی که یکی از این فراست ها به قله مراحل توسعه که معمولن قابل دسترسی برای هر کسی است (مرحله لاجوردی، فیروزه ای، نیلی و مراحل فوقانی تر که در شکل نشان داده شده اند) صعود کرد از کیفیتی برخوردار خواهد شد که تنها به "فرای معقول"¹⁸ و یا به زبان ساده تری به مرحله "روحانی" قابل توصیف است.



این تابلو نتیجه تحقیقات پژوهشگران بسیاری را در زمینه طبقه بندی سطوح ساختار شعور (خودآگاهی) جمع آوری کرده است. هر سطح ساختاری برآیند (گرانیگاه) سطوح توسعه یابنده خطوط شعورند که در متن به آن ها اشاره شده است. کن ویلبر در کتاب های متعدد خود از طبقه بندی جهان بینی های گبسر، دینامیک های مارپیچ بیشتر از دیگران یاد می کند. تقسیم بندی نهانی بر پایه توزیع رنگ ها از کارهای اخیر اوست. علاقمندان میتوانند برای آگاهی بیشتر از شرح طبقه بندی های گبسر و یا دینامیک های مارپیچ به مقاله "نظریه انتگرال چیست؟" (مخصوصن فصل هفتم) نگارش مترجم در همین تارنما مراجعه کنند. - جج

16 هر یک از سطوح "ارتفاع" نماینده یک نوع ساختار شعور فرد است که البته با مفهوم شخصیت -altitude تفاوت دارد. ساختار برآیند کلی از درجات متفاوت توسعه خطوط شعوری است که خود شخص از کم و کیف آن بی خیراست. آن ها مقولات پایداری در امتداد محور عمودی هستند که از راه پژوهش های روان شناختی، جامعه شناسی و غیره فرمول بندی میشوند. - جج

17 Athleticism

18 trans-rational

بی دلیل نیست بسیاری از تماشاگران مشتاق بازی مایکل جُردن¹⁹ در اوجگیری مسابقه او احساس فردی را پیدا میکنند که مشغول خواندن اشعار مولوی است. ارتفاع توسعه یافته تنها توصیف گر پیشرفت هر یک از این فراست های کثیر نیست بلکه این ارتفاع بر روی مفهوم فرهنگی معنا²⁰ که ورزش را نیز محاطه میکند تاثیر میگذارد.

نقش ارتفاع، هم برای قهرمان و هم برای تماشاگر کاربرد دارد. برای مثال، یک رخداد ورزشی مجوزیست برای تماشاچیان تا از طریق رسوم ماگندا (بنفش مایل به سرخ)، روزنه ایست سالم برای رفتار تهاجمی سرخ و منبعی برای بیان وفاداری عنبر (کهربائی) تا به تشفیق یک تیم مشخص یا تیم شهری، ایالتی و یا ملی به پردازند. ورزش با جاذبیت استثنائی تاریخی خود در گردآوری افشار مختلف مردم از نوع سرخ و عنبر باعث تحریک خود (اگو) ساده قهرمانان میشود تا از سطح هویتی که اغلب منتج از کارکرد تهیج کننده تستسترون است به ساختار فرادست تر خود- فداکاری و انضباط و کار تیمی، قبل از ساختار نارنجی که بر اصول اکمال و برتری طلبی استوار است، ارتقاء بدهد.

این ساختارها ضمن ارزش های کلی روحیه ورزشکاری²¹ قهرمانان را در برخورد با مسابقات تعیین میکنند. حال آن که ارتفاع سرخ بر شکوه پیروزی تاکید دارد، عنبر به ما یادآوری میکند که "کسی به نام من در تیم وجود ندارد"، نارنجی به ما میگوید که "مهم برد و یا باخت نیست شما باید خوب بازی کنید"، و در صورتی که شعار المپیک مدرن، که بازتاب دهنده ارتفاع سبز عاطفی است میگوید: "هدف مهم برد نیست بلکه مشارکت است". این اشکال گوناگون روحیه ورزشکاری مخصوصن در دنیای کنونی که موقعیت ورزش در بازار افسارگسیخته تجارت آزاد که میتواند بطور جدی اگوی گرسنه قدرت را تغذیه نماید تعیین میگردد اهمیت می یابد. بدون نهادینه کردن درونی حساسیت اخلاق ساختار سطح عنبر و به بالا برای اگو آسان خواهد بود تا در گیر اغوای توهم خود- مهمی بشود که عاملی است تا قهرمانان را در سطح جنون خود بزرگ بینی سرخ ماندگار کند و یا بسادگی باعث لغزش آن ها در سطح دنیای نارنجی معروفیت، مقام و شهرت گردد. یادی آوری از افرادی مانند مایکل ویک²²، کوبه بریانت²³، تونیا هاردینگ²⁴ و بسیاری دیگر که به صف تیهکاران پیوستند به درک مطلب کمک میکند.

تعریف دیگری از روحانیت وجود دارد که اشاره به حالت زودگذر ولی بسیار واقعی است. این حالت تجربه فردی روحانیت که مکررن قهرمانان را مسحور میکند با سطح ارتفاع توسعه یافته ای که آن ها به آن تعلق دارند رابطه ای ندارد. قهرمانان میتوانند اغلب در حالات نادوگانه شعوری²⁵ غوطه ور بشوند که غالبین به عبارت "در عرش"²⁶ و یا "خروج از سرخ خود"²⁷ توصیف

19 Michael Jordan- قهرمان مشهور بازی های بسکتبال آمریکا است - جج

20 meaning

21 sportsmanship

22 Michael Vick

23 Kobe Bryant

24 Tonya Harding

25 nondual states of consciousness- فارغ از تفاوت ها، عینیت و ذهنیت، تمام اضداد و بالاخره در موقعیت آینه قرار گرفتن است. حالتی که منعکس کننده بوده بدون آن که موضعی را اتخاذ کند. با غایت ازلی و ابدی آمیختن است. - جج

26 in the Zone

میشود. احوالی که دقیقن مشابه آن چیز است که بیشتر برای هنرمندان و عارفان بروز میکند؛ احوال خود فراروی و جاری شدن بی وقفه خلاقانه و یا برجسته. این احوال "جاری شدگی" نادوگانه (بهمراه احوال دیگر از جمله زمخت²⁸، لطیف²⁹، علی³⁰ و شهودی³¹) بُن مایه اشکال عرفانی و تأملی تمرین های روحانی را تشکیل میدهند که در قلب سنت های ادیان حقیقی جهان جای گرفته اند. اگر چه این احوال برحسب سنت های گوناگون از نام ها، فرضیات متفاوتی و زیربافت های فرهنگی متفاوت برخوردارند ولی یک قرینگی بنیانی بین تمام توصیفات آن ها وجود دارد که برای ادعای این که یک وحدت اساسی متضمن زیر بنای تک تک تجربیات و تجلی احوال روحانی در تاریخ بشر وجود دارد کافی بنظر می آید.

طبق اظهارات خود قهرمانان، بسیاری این احوال را به گونه قابل توجهی تجربه میکنند. بخصوص افرادی که در خطی از خطوط توسعه یابنده شعوری به قله اوج تکامل یافته باشند؛ و این درجه توسعه عالی به نظر می آید دسترسی به احوال رفیع روحانی را بیش از پیش تسهیل کند. اما این "تجربیات رفیع" نادوگانه به ندرت بوسیله جمعیت های ورزشی مورد شناسائی قرار میگیرند. انکار این احوال، اکثرن یا به دلیل فقدان یک زبان مناسب در فرهنگ ورزشی است که مبادله این تجربیات را غیرممکن کرده است و یا به سبب بیرون راندن کامل آن ها از میدان، زمین و سالن یخ و محیط زندگی روزانه میباشد. این احوال چه شناسائی بشوند یا نشوند تقریبین تمام قهرمانان مرد و زن خواه نا خواه زمانی از احساس خود بودگی "درعرش" برخوردار میشوند: وارفتگی منفعل بازیکن، رقیب و تماشاچی و کل بازی، و به جا ماندن عطر دلربای چمن های تازه چیده شده، سنگینی گرمای خورشید که بر روی پوست شما فشار وارد می آورد، و حرکت آهسته و شوریده یک کاینات در صحنه.

سرتاسر این گفتگوی استثنائی میخواهد به ما یاد آوری کند که تمام جهات گوناگون زندگانی ما که بی ارتباط و جدابافته از روحانیت بنظر می آید در حقیقت چیزی غیر از روحانیت نیست. چیزی وجود ندارد که ذات (اسپیریت) در آن حضور نداشته باشد؛ از والاترین ایده آل عشق، احترام، روحیه ورزشکاری گرفته تا لهله میلیون ها تماشاچی مست خون به جوش آمده ای که شما را به سمت پیروزی تشفیق میکند، همه و همه خانه خود را در ذهن فراروی خدا می جویند که در قلب مقدس آشیانه دارد، جایی که مرز بین بُرد و باخت به مانند خط جدا کننده خود و غیر، کل و جزء، اینجا و ابدیت است. امیدواریم از این گفتگو لذت ببرید.

(آیا از دیوید مگیسی پرسشی دارید؟ پرسش خود را از طریق آدرس الکترونی او طرح کنید تا جواب خود را در طول یک ماه آینده دریافت کنید: integralsports@gmail.com)

27 out of his head

28 gross

29 subtle

30 causal

31 witness

مدت این گفتگو 35 دقیقه است(فقط برای مشترکین قابل شنود است-جج).
واژگان کلیدی:

Out of Their League, Michael Murphy, Esalen Institute, Georgr Leonard, NFL, altitudes of consciousness,(magenta, red, amber, orange, green,turquoise, indigo, violet, ultraviolet), states of consciousness(gross, subtle, causal, Witness, nondual), "What is Altitude?, What is Integral?"(free pdf). The Integral Vision.

بهترین لحظه خاطره بخش: " شما بنیانگذار اتحاد قهرمانان برای صلح³²، جنبه مثبت ورزش را که از خود فراروی است بکار بردید تا وراى مرز ها را بپوئید، مرز هائی که بین نژادها، بین جنس مرد و زن، بین باورهای سیاسی و اجتماعی کنونی وجود دارد و عامل قطعی جداسازی انسان ها از یکدیگرست. ورزش احتمالان زمینه بسیار وسیعی برای تمرین از خود فراروی است، با این وجود زمینه ای است که به ندرت موضوع بحث واقع میگردد...."

³² Athletes United for Peace